

و تنبیه) اشتباه نکرده‌ام و همواره سعی کرده‌ام در جای خود و به روشی صحیح از آن بهره ببرم.

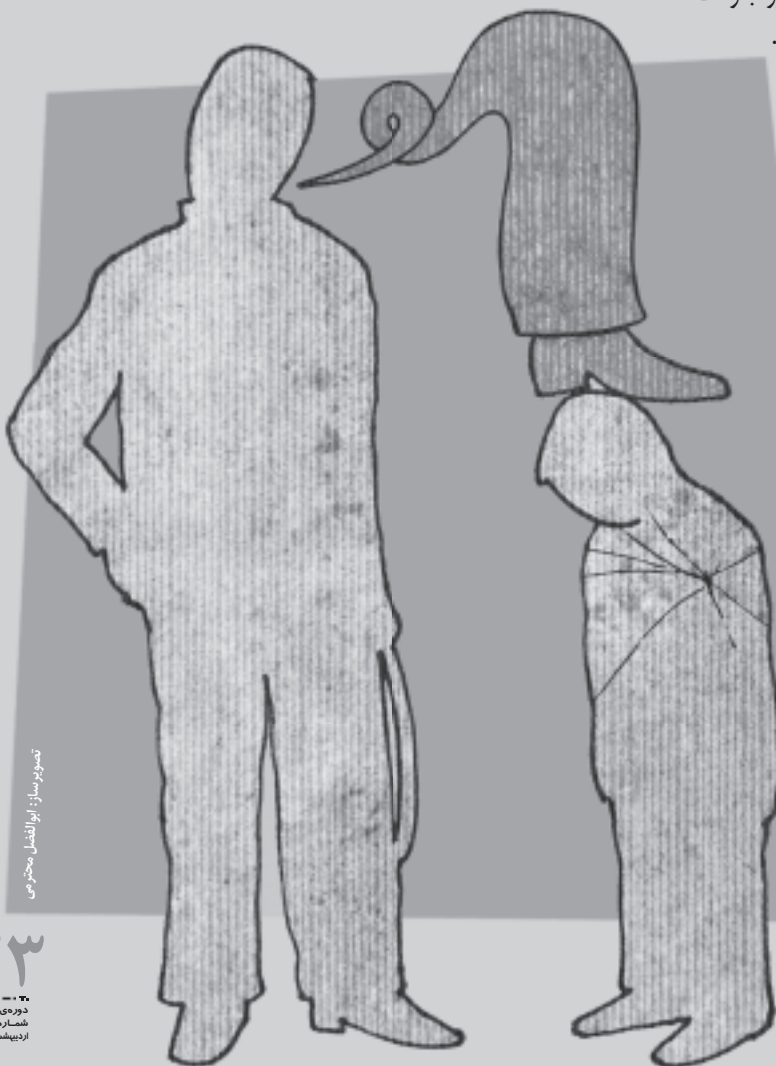
به طور خلاصه بهتر است در تشویق و تنبیه، با توجه به ارزش عملکرد شخص، رفتار مناسب اتخاذ شود تا علاوه بر تأیید یا رد عمل انجام شده آثار آموزشی و پرورشی این رفتار در شخصیت او تأثیرگذار باشد و بتوان از جنبه روانی، ارزشمندی یا بی‌ارزشی عملکرد او را به طور مستقیم و بدون واسطه به او منتقل کرد.

پیام معلم به مدیر

غلط‌آملائی

محمد رشید

مدیر دبیرستان شبانه‌روزی امام خمینی (ره)
علیشار بخش خرقان، شهرستان زرنده، استان مرکزی



تصویرسازی: ابوالفضل محترم

۲۳

دوره‌ی نهم
شماره‌ی ۸
اردیبهشت ۱۳۹۶

سال دوم ابتدایی بودم، فکر می‌کنم سال ۱۳۵۴ بود. به اتفاق سایر دوستان و هم‌کلاسی‌های خود در کلاس درس نشسته بودیم که نماینده کلاس سوم ابتدایی در زد و وارد کلاس ما شد. از معلم کلاسمان اجازه گرفت تا یکی از دانش‌آموزان را همراه خود به کلاس سوم ببرد تا غلط‌آملائی یکی از هم‌کلاسی‌هایش را اصلاح و تصحیح کند. معلم کلاس به من که در املا و آیین نگارش قوی‌تر از دیگران بودم، اشاره کرد و گفت: «تو برو» من همراه نماینده کلاس سوم وارد کلاس آن‌ها شدم. معلم کلاس سوم با قیافه‌ای خشن، در حالی که یک طناب بازی دولا شده در دست داشت، در کنار یک دانش‌آموز ایستاده بود.

معلم به تخته سیاه اشاره‌ای کرد و گفت: «این کلمه را بخوان و من هم خواندم. کلمه نوشته شده «داند» بود. دانش‌آموز بیچاره به جای کلمه «دانه»، نوشته بود «داند». من طبق دستور معلم گچ را برداشتم و کلمه «دانه» را به شکل صحیح روی تخته سیاه نوشتم. معلم پس از این که کلی فحش و ناسزا نثار دانش‌آموز کرد و با طنابی که در دست داشت به سر و روی او زد، به من گفت: «برو جلو تف کن به صورتش» من یکه خوردم و مردد سرچایم خشکم زد.

البته جای تعجب نبود، چون ما در دوران نظام قدیم درس می‌خواندیم و این‌گونه اعمال خیلی هم ساده و عادی بود. اما برای من انجام چنین کاری غیرعادی و غیرممکن بود؛ در وهله اول باورها و اعتقادهای خانوادگی من در یک زندگی ساده و بی‌آلایش روستایی و سر تا پا حجب و حیا و در مرتبه دوم جثه بزرگ دانش‌آموز بیچاره، انجام چنین عمل شنیعی را از من می‌گرفت. ناچار زیر گریه زدم و از کلاس سوم خارج شدم و ...

نکته حائز اهمیت این است که من آن سال‌ها معنی و مفهوم ارزش‌گذاری و تکریم شخصیت را نمی‌دانستم و از این نکته که «عمل زشت افراد باید مؤاخذه و سرزنش شود نه شخصیت آن‌ها» درکی نداشتم. ولی ناخواسته و از روی فطرت بی‌آلایش دوران کودکی‌ام کاری پسندیده و شایسته انجام دادم و در جمع دانش‌آموزان به آن دانش‌آموز بی‌احترامی نکردم. همین باعث شد که او به من احترام بگذارد و این احترام امروز هم پس از گذشت چندین سال هنوز ادامه دارد. این برای من نقطه شروعی شد که بعدها به ویژه وقتی که معلم شدم و مطالبی درباره شیوه‌های صحیح تعریف و تمجید و تنبیه و توبیخ مطالعه کردم، همواره آن حادثه و خاطره‌اش، در ذهنم نقش می‌بست و امروز به جرئت می‌توانم بگویم در اجرای این مقوله مهم تربیتی (تشویق